

راهبرد حامیان بافت‌های تاریخی کرمان برای محافظت از مکان‌های تاریخی^۱

نوشین نظریه*، عیسی اسفنجاری کناری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۱-۱۷

چکیده

با توسعه رویکرد مدرن حفاظت، تدوین منشورها، معاهدات و شکل‌گیری مؤسسه‌های بین‌المللی، حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی رفته‌رفته از خاستگاه جغرافیایی و فرهنگی مردم فاصله گرفته و بر ابعاد جهانی آن افزوده شد. رنگ باختن نقش و کوتاه شدن دست مردم بومی در حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی را می‌توان از مصادیق جهانی شدن برشمرد. بررسی اینکه مردم در حفاظت و مرمت مکان‌های تاریخی چگونه می‌اندیشند و عمل می‌کنند از پرسش‌های اساسی پژوهش پیش‌روست؛ لذا این پژوهش با هدف دستیابی به راهبردهای مردمی حفاظت در شهر تاریخی کرمان است. بدین منظور از روش تحقیق کیفی تئوری زمینه‌ای (GT) استفاده و جمع‌آوری داده از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده است. ۲۴ نفر از مردم شهر کرمان که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند با روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری مطالعه گردید. در یافته‌ها و نتایج پژوهش نمایان شد که گروهی از افراد محلی تمایل و علاقه خاصی به اماکن تاریخی دارند و از اقدامات آنها هفت مقوله اصلی به دست آمد که شامل: اقدامات پیشگیرانه و محافظت پیش‌دستانه، الهام و الگوبرداری در مرمت، دوگانه خالص- تلفیقی در مرمت، دوگانه تحکیمی- تزئینی در مرمت، بسط و گسترش بنای تاریخی، نگهداشت اجزاء و حفظ عناصر بنای تاریخی، نگهداری و مقابله با روند تخریب بنا می‌باشد.

واژگان کلیدی: شهر تاریخی کرمان، حفاظت مدرن، حامیان بافت تاریخی، راهبردهای عملی مردمی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نوشین نظریه با عنوان «تبیین مدل نظری نگرش فعالان در فرآیند حفاظت از مکان‌های تاریخی ایران؛ نمونه مورد مطالعه: شهر تاریخی کرمان» با راهنمایی عیسی اسفنجاری کناری در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان (سال ۱۴۰۲) می‌باشد.

n.nazarieh@yahoo.com

e.esfanjari@au.ac.ir

* دانشجوی دکتری رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران



مقدمه

جهانی‌شدن و توسعه دانش حفاظت از میراث فرهنگی همانند بسیاری از زمینه‌های دیگر دارای پیامدهای مثبت و منفی می‌باشد. از پیامدهای مثبت این امر می‌توان به افزایش توجه و آگاهی کشورها و جوامع گوناگون و مسئولیت‌پذیری نسبت به میراث فرهنگی و حفاظت آنها و نقشی که می‌تواند در توسعه و زیست پایدار معاصر و آینده داشته باشد، اشاره نمود. از این رو حفاظت از میراث فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های سیاستمداران پیدا کرده است. از سوی دیگر جهانی‌شدن حفاظت پیامدهای منفی‌ای را نیز در برداشته است. جهانی‌شدن در اصل در تقابل با ارزش‌های بومی و تنوع فرهنگی میراث قرار گرفته است. با پیشرفت وسایل ارتباطی امید بر این بود که بتوان فرهنگ‌های مختلف شناسایی، معرفی و غنا و تنوع فرهنگی آنها را درک و از آن پاسداری نمود، اما این توسعه ارتباط جمعی و جهانی‌شدن نوعی یکسان‌سازی فرهنگی را به همراه داشته است (حجت، ۱۳۸۰: ۱). حفاظت امری فرهنگی است؛ استانداردسازی، نگاه مصنوعی و یکسان‌سازی، موجب نزول کیفیت و یکنواخت شدن حفاظت و از بین رفتن غنای فرهنگی نهان میراث فرهنگی و تنوع فرهنگی می‌شود (پدرام و هوشیاری، ۱۳۹۶: ۱۹۸). «تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته شود» (اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، ۱۳۹۰). دیدگاه جهانی حفاظت تفاوت اندکی میان میراث فرهنگی متنوع و گوناگون کشورهای مختلف قائل شده است و در نهایت با همه تفاوت‌ها و غنای فرهنگی نهفته در آنها غالباً با نگاهی یکسان و هم‌سطح، اصول و معیارهای واحدی برای برخورد با همه آنها تجویز شده است. روش‌های حفاظتی معاصر که ریشه

در سنت‌های قدیمی قرن ۱۹ ام غربی دارد باعث شده است که جایگاه مردم، معانی و مفاهیم را در حفظ مکان‌ها کاهش دهد (ر.ک: Chung, 2005) که این قوانین، مقررات و دستورالعملها که از دهه‌های پیشین تاکنون تغییر نکرده‌اند امروزه با شکست روبه‌رو می‌شوند. در نظر گرفتن تنوع و کثرت در معانی مرتبط با فرهنگ اجتماعی معاصر و ارزش‌هایی که مردم برای مکان‌های تاریخی دارند می‌تواند این امر را کاهش دهد (ر.ک: Wells, 2022).

از سوی دیگر، مردم به صورت ناخودآگاه در گذر زمان دست به اقدامات عملی مرمت در مکان‌های تاریخی که با آنها در تعامل‌اند می‌نمایند. این اقدامات متناسب با نگرش مردم می‌تواند متفاوت باشد و همان‌گونه که تفاوت و تنوع فرهنگی غنی در میان کشورهای مختلف و حتی جوامع کوچک‌تر درون‌مرزی وجود دارد، می‌توان شاهد تنوع راهبردهای مرمت مردمی بود. میراث فرهنگی در بردارنده بنمایه‌های فکری - فضایی فرهنگ و تمدن بشری در طول زمان و منعکس‌کننده تعلقات، باورها و ارزش‌های جامعه محلی است که آن را ساخته و پرداخته است. حفاظت و مرمت چنین آثاری نمی‌تواند بدون توجه به اصول و معیارهای فرهنگی جامعه‌ای که آن را خلق کرده، استوار شود. از این روست که فهم نگرش مردم در رابطه با بناهای تاریخی و حفاظت اهمیت بیش از پیش یافته است. این پژوهش با کندوکاو نظری و عملی در پی فهم نگرش مردم شهر تاریخی کرمان در رابطه با حفاظت و مرمت و در جست‌وجوی پاسخ سؤالات زیر است:

مردم در خصوص مرمت بناهای تاریخی چگونه می‌اندیشند؟

مردم در خصوص مرمت بناهای تاریخی چگونه عمل می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

حفاظت، «یک مسئله فرهنگی است، نه یک مسئله صرفاً علمی» (Jokilehto, 2007: 277). با وجود آنکه برخی از جنبه‌های دکترین حفاظت از ارزش جهانی برخوردارند، نمونه‌های بسیاری وجود دارد که فرهنگ‌های مختلف مایل‌اند مکان‌های تاریخی خود را از طرق مختلف مورد مرمت و ارزیابی قرار دهند (ر.ک: Chung, 2005). هم‌راستا بودن حفاظت با پدیده‌های ذهنی، رفتاری و اکتسابی جامعه (شخصیت و هویت جامعه) در تأمین زیرساخت‌های حفاظتی از کالبد میراث، تأثیرگذار است (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). در دیدگاه حفاظت ارزشی که دیدگاه سنتی این حوزه است بیان می‌شود که در تصمیم‌گیری و سیاست‌های حفاظتی، باید ارزش‌هایی را که در نظر مردم به یک میراث نسبت داده شده است را حفظ نمود (Avarami et al., 2000: 12) که در پی آن مشارکت مردمی را در بر خواهد داشت (حجت، ۱۳۸۰: ۳۳۵). «دیدگاه‌های افراد جامعه نسبت به میراث فرهنگی و نیز مشارکت ایشان در فعالیت‌های حفاظتی، عمدتاً بر اساس آگاهی از معنای علمی و حقیقی میراث فرهنگی شکل نمی‌گیرد، بلکه تا حد زیادی تابعی از ادراکاتی می‌باشد که در تصور آنها از موضوع ایجاد شده است» (ر.ک: رازقی، ۱۳۹۲).

همان‌گونه که بیان شد در راستای جهانی شدن حفاظت منشورها و دستورالعمل‌های بین‌المللی بسیاری در این رابطه تدوین شده است. شیوه‌های حفاظت معماری در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و به‌طور کلی در بسیاری از نقاط جهان توسط مجموعه‌ای از آموزه‌های حفاظت بین‌المللی و ملی انتشار می‌یابند. این دکترین حفاظت، چگونگی انجام مداخلات و نحوه ارزش‌گذاری ساختمان‌ها و اماکن تاریخی برگرفته از جامعه غربی می‌باشد (ر.ک: Wells, 2017).

فرآیند حفاظت از آثار و میراث فرهنگی دارای ابعاد پنهان و مهمی می‌باشد که این ابعاد بررسی نشده موجب غفلت در فهم و تعریف آثار در بستر خود (بستر اجتماعی، تاریخی و ...) شده است. بیشترین توجه به مردم بومی ساکن منطقه را می‌توان در بیانیه ایکوموس ۱۹۹۳ مشاهده نمود. «مفهوم ارزش اثر تاریخی در بستر زمان و با توجه به جامعه بومی قابل درک است» (Vestheim and el, 2001). بر اساس علم جامعه‌شناسی رفتاری، باید تمامی رفتارهای ریشه‌دار در باورهای فرهنگی بررسی شوند. همان‌گونه که رفتارهای مخربی چون وندالیسم در میراث قابل بررسی است، تحلیل عمیق هر اعتقاد و باور ساکنان می‌تواند به‌عنوان یک ارزش میراث محسوب و بررسی شود (ر.ک: کیهان پور، ۱۳۹۷). کنوانسیون فارو (ر.ک: Council of Euro,pe, 2005) نیز تأکید بیشتری بر ارزش‌های اجتماعی نسبت به ارزش‌های مادی و ذاتی میراث دارد (ر.ک: Schofield, 2014) که این امر جوامع متخصصان میراث را یک گام فراتر برده است (ر.ک: Jones, 2017). اخیراً، در سیاست‌گذاری عمومی و هم‌درزمینه حفاظت، بر ارزش‌های اجتماعی مرتبط با محیط تاریخی تأکید زیادی شده است. ارزش‌های اجتماعی فرصت‌هایی را برای ایجاد گفتگوی مداوم بین گروه‌های جامعه و سازمان‌های میراث فراهم می‌آورد (ر.ک: Jones, 2017).

از این‌رو در سال‌های اخیر جامعه و دیدگاه و اعتقاد آنها در رابطه با حفاظت و ارزش‌هایی که برای مکان‌های تاریخی در ذهن دارند میان جامعه متخصصین این حوزه حائز اهمیت شده است. از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حیطه می‌توان به پژوهشی اشاره نمود که نگرش مردم را در رابطه با حفاظت میراث فرهنگی مورد بررسی قرار داده است که در آن سعی در بررسی نگرش مردم نسبت به تک‌بنای مسجد جامع عتیق تهران داشته است. این پژوهش با بیان سؤال

«نظر شما در رابطه با حفاظت و مرمت این مکان چیست؟» انجام شده است (ر.ک: دلیلی دیدار، ۱۴۰۰). رساله دیگری که به آن می‌توان اشاره کرد تحت عنوان «تیین چارچوب نظری حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی بر اساس چگونگی تعامل انسان و مکان» می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که «چگونه می‌توان چارچوب حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی را تعریف نمود که در عمل منجر به حفظ هویت و تداوم تعامل با فضا شود؟» در نتیجه، هدف اصلی یافتن اصولی از تعامل انسان و فضای معماری تاریخی است که تعهد اختیاری نسبت به حفظ هویت فضا و تداوم تعامل با آن را شکل می‌دهد (ر.ک: پورسراجیان، ۱۳۹۷).

چندی از پژوهش‌ها روابط بین جامعه بومی و حفاظت و مرمت‌های صورت گرفته را بررسی نموده‌اند. در این میان می‌توان به پژوهشی در رابطه با عوامل رخداد تعارض‌های اجتماعی در زمان حفاظت از میراث معماری در منطقه سلطانیه اشاره نمود. مجموعه اقدامات حفاظتی - مرمتی عموماً با توجه خاص به مسائل و مبانی کالبدی و در شرایطی صورت پذیرفته که جامعه بومی ساکن در سلطانیه به تدریج نه تنها خود را جدای از گنبد احساس نموده، بلکه در فضایی آمیخته به عدم شناخت و سوءبرداشت‌های متعدد، در تعارض با آن قرار گرفته است. این تعارض تا آنجا پیش رفته که جامعه بومی به جای نگرش و احساس عاطفی مثبت به این اثر ثبت جهانی، گاه آن را عامل مستقیم عدم توسعه و پیشرفت شهر خود معرفی می‌کند (۱). (ر.ک: رازقی، ۱۳۹۲).

به‌طور کل می‌توان گفت که توجه به علوم اجتماعی و تأثیر آن در سایر علوم از دهه ۶۰ میلادی بسیار پررنگ شده است. در حوزه حفاظت و مرمت میراث فرهنگی نیز پس از

تغییر رویه صورت گرفته در منشورها و اسناد بین‌المللی حضور و جایگاه مردم را میتوان دید. تقریباً سی سال پیش، زمینه «مطالعات میراث» از طریق استفاده از روش‌های تحقیق علوم اجتماعی که به دنبال درک رابطه‌ای که مردم با میراث و محیط تاریخی دارند، پدید آمد (ر.ک: Wells, 2022). کمبودی که در میان مطالعات انجام‌گرفته مشخص شد این است که «به‌طور کل نگرش مردم بدون دادن خط و محدودسازی در رابطه با امر مرمت چیست؟ یعنی چگونه خود عمل مرمت را انجام می‌دهند؟». تمامی موارد ذکر شده در قالب یک پژوهش کیفی در پژوهش پیش رو انجام گرفته است. لذا در این پژوهش سعی شده است تا برخی از اقدامات و نگرش مرمتی مردم که برگرفته از ذهنیت آنها است در شهر تاریخی کرمان بررسی شود.

روش پژوهش

از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای در این تحقیق برای انجام فرایندها استفاده شده است. در کل می‌توان گفت که هدف این روش، «کشف مفاهیم بنیادی و زیربنایی از دل داده‌های تحقیق کیفی است» (ر.ک: کلاکی، ۱۳۸۸). اگر هدف پژوهش، شیوه تجربه افراد و درک فرایندها باشد می‌توان از این روش استفاده نمود. در تحقیقات با رویکرد کیفی، میدان پژوهش معادل جامعه‌ی آماری در تحقیقات با رویکرد کمی است (استراوس و کربین، ۱۳۹۷: ۳۲). در تحقیق حاضر میدان پژوهش شهر تاریخی کرمان می‌باشد؛ پس از حضور پژوهشگر در میدان تحقیق، بر اساس داده‌های به‌دست آمده از میدان، سعی شد تا نحوه گزینش نمونه‌ها به‌گونه‌ای باشد که بتواند حداکثر میدان پژوهش را پوشش دهد. نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند و نظری می‌باشد. نمونه‌برداری هدفمند (جهت‌دار) در روش کیفی به تحلیل داده‌ها کمک و

سرعت می‌بخشد (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

مشارکت‌کنندگان (۲) این پژوهش شامل ۲۴ نفر از افراد ساکن شهر کرمان شامل ۶ زن و ۱۸ مرد که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند و حامی مکان‌های تاریخی محسوب می‌شوند می‌باشد؛ که سن این افراد بین ۳۱ تا ۶۸ سال و تحصیلات آنها از زیر دیپلم تا دکتری و پزشکی است. همان‌گونه که بیان شد این افراد به‌صورت هدفمند و نظری به روش گلوله برفی گزینش شده‌اند. روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود. باین‌حال، در برخی از موضوعات و پژوهش‌ها از روش‌های مشاهده، مشاهده‌ی مشارکتی و گردآوری اسناد و ... می‌توان استفاده نمود (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۳)؛ که در این پژوهش داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و برای سنجش صحت آنها از مشاهده مشارکتی بهره برده شده است. سؤالات تحقیق در چند مرحله انتخاب و طراحی شده‌اند. بدین‌صورت که پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، کدگذاری و بعداز آن سؤالات جدید استخراج شده است و تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها (تا زمان خلق نشدن داده‌های جدید) بدین شیوه پیش رفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس سه شیوه کدگذاری باز، محوری

سرعت می‌بخشد (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

مشارکت‌کنندگان (۲) این پژوهش شامل ۲۴ نفر از افراد ساکن شهر کرمان شامل ۶ زن و ۱۸ مرد که در تعامل با مکان‌های تاریخی‌اند و حامی مکان‌های تاریخی محسوب می‌شوند می‌باشد؛ که سن این افراد بین ۳۱ تا ۶۸ سال و تحصیلات آنها از زیر دیپلم تا دکتری و پزشکی است. همان‌گونه که بیان شد این افراد به‌صورت هدفمند و نظری به روش گلوله برفی گزینش شده‌اند. روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود. باین‌حال، در برخی از موضوعات و پژوهش‌ها از روش‌های مشاهده، مشاهده‌ی مشارکتی و گردآوری اسناد و ... می‌توان استفاده نمود (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۲۳)؛ که در این پژوهش داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و برای سنجش صحت آنها از مشاهده مشارکتی بهره برده شده است. سؤالات تحقیق در چند مرحله انتخاب و طراحی شده‌اند. بدین‌صورت که پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، کدگذاری و بعداز آن سؤالات جدید استخراج شده است و تا مرحله اشباع نظری مقوله‌ها (تا زمان خلق نشدن داده‌های جدید) بدین شیوه پیش رفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس سه شیوه کدگذاری باز، محوری

یافته‌های پژوهش

در تحلیل و کدگذاری‌های انجام‌شده ۷ مقوله اصلی به دست آمد که هر یک از این مقوله‌ها و بیانات افراد مشارکت‌کننده مورد کندوکاو قرار گرفته‌اند. مقوله‌های اصلی استخراج‌شده از تحلیل محتوی مصاحبه‌ها و نگرش مردم نسبت به مرمت مکان‌های تاریخی بر اساس تحلیل محتوی عرفی نام‌گذاری شده‌اند.

اقدامات پیشگیرانه؛ محافظت پیشدستانه
 کدهایی که از طرف مردم به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه عنوان شد عبارت‌اند از (جدول شماره ۱):

جدول شماره ۱: مقوله و گزاره‌های اقدامات پیشگیرانه؛ محافظت پیشدستانه

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
پیشگیری از تخریب آسیمی	«... مثلاً اون گوشه رو همون قدیم بستن. من بخوام بازش کنم مکافاته، چون دیگه از پشت بوم به پایین دیگه میشه آزاد، یعنی هر مثلاً آدمی، صاف میتونه بیاد تو خونه. مجبوریم اون گوشه خونه رو بستیم...»
	«...دیگه دزد اومد من بالاش در چوبی داشت، خوشگلی ام بود. دیگه دزد که اومد بود زده بود شکسته بودتش اومد داخل، من دیگه درش آهنی کردم...»
پیشگیری از تخریب طبیعی	«...ناودونها رو چک میکنن چون ما مشکل ناودون داریم...»
	«...پشت بوما باید مرتب عوض بشه...»
	«...بعد سیستم نوسار شون، سیستمی آب بارون میکشن باش، ناودونها، این خیلی مهم بود که این سیستم ناودونی از بالا پشتبوم آب بیاد پایین، بعضی از پشتبوم‌ها نیاز به کاه‌گل داشت...»
	«... اینجا یه ترکهایی داره میخوره توی تاقها که احتیاج به نشان گذاریه. خب این در تخصص من نیست ... ولی خب همه اینا به مراتب بالاتر گفته شده...»
عایق نمودن باغچه جهت جلوگیری از نفوذ آب	«...دیگه گل هایی هم قراره مثلاً حالا الان خشک شدن، ما قراره مثلاً بکاریمشون، خب مواظب بودن یه فاصله‌ای دادن بهشون و حالا قیرگونی کردن و ما هم خیلی سعی می‌کنیم زیاد حالا آب به بنا نرسه...»

۱. محافظت پیشدستانه یا پیشبینانه می‌تواند معادل خوبی برای واژه تخصصی Proactive conservation باشد.

یافته‌های این مقوله نشان می‌دهد که افراد مصاحبه شده بر اندیشیدن تمهیداتی جهت محافظت متقدم از بناها، پیش از اینکه تخریب دامن‌گیر آنها شود، تأکید دارند. این افراد با در پیش گرفتن استراتژی محافظت پیشدستانه، پیش از آنکه تخریب این بناها آغاز شود، بر آن مهر پایان می‌زنند. تمهید پیشگیرانه در ذات خود نوعی استراتژی بالفعل و عینی در مقابل خطری احتمالی و بالقوه است که ممکن است بنیاد مکان تاریخی را با چالش‌هایی جدی مواجه کند؛ چالش‌هایی که در صورت بروز می‌توانند مکان تاریخی را در معرض خطر جدی قرار دهد. در چنین شرایطی افراد از نظر زمانی جایگاه معمول حفظ و تخریب را جابجا می‌کنند؛ آنها قبل از آنکه تخریب رخ دهد، محافظت را به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در دستور کار قرار می‌دهند. در جوهر رویکرد محافظتی پیشدستانه این اندیشه وجود دارد که خطر بایستی پیش از بروز، پیشگیری شود. بدین معنا که اجازه‌ی هیچگونه رخنه‌ای (خطر) در حیطه بنا-فضای تاریخی داده نمی‌شود. در این نگرش محافظتی نه تنها وجود خطر انکار

نمی‌شود، بلکه مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع این رویکرد هیچگونه اغفال و اهمالی در خصوص احتمال تخریب مکان تاریخی را جایز نمی‌شمارند؛ در واقع خطر تخریب بنای تاریخی را به رسمیت شناخته می‌شود و به همین دلیل برای آن تدابیر و تمهیداتی اندیشیده می‌شود. در محافظت پیشدستانه تلاش بر این است تا خطر تخریب مکان تاریخی به یک احتمال بسیار ضعیف در زمانی بسیار بعید تبدیل شود. در چنین شرایطی پیله محافظت مدت‌ها پیش از آنکه خطر تخریب متوجه بنا-فضای تاریخی شود، کلیت آن را در بر گرفته و از آن پاسداری می‌کند. در این حالت نه وجود تخریب بلکه وجود احتمال تخریب است که باعث می‌شود افراد تمهیدات پیشگیرانه‌ای را جهت حفاظت از بنا-فضای تاریخی در پیش گیرند.

الهام و الگوبرداری در مرمت

یافته‌های این مقوله نشان می‌دهد که سازه‌های تاریخی علیرغم پراکندگی گسترده و عدم ارتباط بیواسطه، تأثیری بسزا بر حیات یکدیگر دارند. در این رابطه مقوله‌های زیر به دست آمد (جدول شماره ۲):

جدول شماره ۲: مقوله و گزاره‌های الهام: الگوبرداری تاریخی در مرمت

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
الگوبرداری تکثرگرا	«... برای مرمت که ما شهرهای زیادی رو مسافرت کردیم. از حالا تو خود کرمان هرچی بنا بود همیشه گفت رفتیم و بازدید کردیم. یزد چندین بار رفتیم، کاشان رفتیم، اصفهان رفتیم، شیراز رفتیم و بناهایی رو که بود بازدید کردیم...».
الگوبرداری وحدت‌گرا	«... خیلی هم از لحاظ معماری هم از لحاظ تزئینات شبیه هست یا مثلاً شتر گلوی ماهان...»
الگوبرداری گسترده	«... بافت زریسف همیشه الگوش بافت آتشکده ... اومدیم تیپ درامون، تیپ خورشیدیامون، تیپ کف فرشمون، تیپ تزئیناتمون اونو اومدیم چیکار کردیم، الگوبرداری کردیم از بناهای هم‌دوره خودش توی محله خودش...».
الگوبرداری موضعی	«... مسیر آب و حوض‌هایی هم که اضافه‌شده سعی شده الهام گرفته از باغ شازده کرمان باشه، حالا نه به اون صورت ولی تداعی‌کننده اونجا باشه...».
الگوبرداری شمایل	«... که ما بعضی جاها که بعضی قسمت‌ها رو برای تزئینات از دست داده بودیم برای اینکه تداعی بشه و بتونیم دوباره الگوبرداری کنیم به این بناها به قول معروف مراجعه می‌کردیم برای کامل کردن تزئینات...».
الگوبرداری در مصالح	«... مصالح مثل سفال، آجر فرش، یه چیزایی که مثلاً توی خونهای قدیمی به کار رفته، به اضافه یه نما، اگر تازه نما هم تازه خواستیم بزنیم همون کاه‌گلی باشه. یعنی اصلاً خونهای نباشه بخواد خیلی توی چشم بزنه عین بقیه بافتش باشه حالا مثلاً ترمیم‌شده...».

۱. از چند بنا به شکل ترکیبی جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.
 ۲. صرفاً از یک بنا جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.

تاریخی به یکدیگر گره‌خورده و حیاتی اندام‌وار بین آنها ایجاد کرده است. بر اساس داده‌ها می‌توان گفت در صورت فقدان الگوهای تاریخی در امر مرمت، بناهای تاریخی به شدت در خطر نابودی قرار می‌گیرند. در واقع این سامانه به هم پیوسته پنهان است که ارتباط مکان‌های تاریخی را ممکن و حیات آنها را تا حد زیادی تضمین می‌کند.

از سویی دیگر الگوبرداری تاریخی در زمینه مرمت به این واقعیت نهفته اشاره دارد که سازه‌های تاریخی با وجود ثابت بودن در یک مکان، قابلیت تسری و انتقال بالایی دارند. بدین معنا که انعکاس وجود آنها را می‌توان در مکان‌هایی بسیار دورتر از محل استقرارشان یافت.

دوگانه خالص - تلفیقی در مرمت

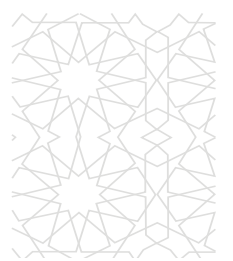
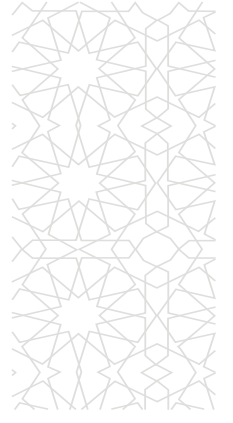
بر اساس داده‌های به دست آمده در این تحقیق می‌توان گفت که در یک سوی طیف مرمت مردمی افرادی قرار می‌گیرند که کاملاً معتقد به خالص‌گرایی در مرمت هستند و در طرف دیگر افرادی که اعتقاد به مرمت تلفیقی دارند. در این راستا مقوله‌های زیر به دست آمد (جدول شماره ۳):

وجود چنین الگویی در امر مرمت و احیاء بناهای تاریخی به ما نشان می‌دهد که گویی نوعی سامانه‌ی فکری واحد در اجتماعات محلی مکان‌های تاریخی را به هم مرتبط کرده و الگوهای مرمت آنها را به هم پیوند می‌زند.

در جامعه مورد مطالعه این اندیشه وجود دارد که یک بنای تاریخی در ارتباط با سایر بناهای تاریخی است که می‌تواند ارجح و اهمیت خود را باز یابد. در واقع با وجود آنکه برخی از افراد از رویه‌های سرگردان و بیریشه در مرمت بنای خود استفاده می‌نمایند، اما استفاده از سامانه قالب ارجاع با الهام از مکان-های تاریخی دیگر باعث می‌شود تا عمده بناها و فضاها در یک پیوستار تاریخی هویت‌مند با یکدیگر قرار گیرند. از طرف دیگر الگوبرداری تاریخی در امر مرمت نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که حیات یک بنای تاریخی تا چه اندازه‌ی مرهون هستی سایر بناهای تاریخی است. این مسئله به این موضوع حیاتی اشاره دارد که مکان‌های تاریخی با وجود پراکندگی مکانی گسترده، در یک شبکه‌ی درهم تنیده نامرئی قرار دارند؛ شبکه‌ای که در آن هستی مکان‌های

جدول شماره ۳: مقوله و گزاره‌های دوگانه‌ی خالص - تلفیقی در مرمت

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
مرمت خالص	«...والا مصالح هم گفتم طوری باشه که بافت خودش حفظ کنه... قرار نباشه چیزی مدرن کار بشه. یا شرایطش نسبت به خونه‌های اطرافش فرق بکنه، کاملاً می‌خواستیم از همون مصالح خودش استفاده کنیم...»
	«... شایدم خرافاتی باشه ولی مصالح قدیمی نظاره‌گر به سری وقایع بودن یعنی اون روحی که میگیم تو بنا هست ... اگر ما مثلاً فقط خشت و گِلو چیزهای معمولی باشه دیگه نمیتونه روح داشته باشه...»
	«... بر اساس گفته به معمار قدیمی که اومد اینجا گفت مصالحی که تو این قسمت کار میشه [قسمت گر مخانه] یا مصالحی تو قسمت سرپینه کار میشه متفاوته...»
مرمت تلفیقی	«... مصالح اصل باشه که همون قدیمی باشه. نماش قدیمی باشه. شاید مثلاً داخلش تیر آهنی، ستونی، سقفی چیزی بزنه آدم...»
	«...بازم اصلاته خیلی برام جالب بود که مثلاً به فرض مثال این نوع خاص مثلاً آجر مهری یا این آجر لعابدار این نوع کاشی کجا درست شده. اصلتش مال کجاست و اگر که مثلاً کرمان بود و تشخیص دادم کرمان بود، صد درصد سعی می‌کردم که اون، ممکنه توی کارگاه‌ها هم نباشه ولی این قضیه رو باز از خود همون جا، از خود خاک همون منطقه داشته باشه...»
	«...مثلاً همه آجرهای ما رو قم مثلاً داره میزنه، بوم آورد منطقه ما نیست ولی با اقلیم ما آشنایی داره، بهتره که هرچی استفاده میشه همه بوم آورد منطقه خودمون یا بوم آورد منطقه‌های جغرافیایی مثل ما باشه...»
	«...فقط تو این مهمونخونمون به خرده‌ای اون ورش رفته، اونم مهار کردیم. دیدن هم خوب، چوباش از قدیم بودن ولی ما سیخو { میلگرد } کشیدیم، ا، اینا دیگه دارتش { منظور سقف پایدار شده است }...»
	«... حالا درسته ما الآن مرمت می‌کنیم تو پی بندیا مون آجر و سیمان استفاده می‌کنیم، توی نما...»
	«... به من پیشنهاد شد حتی از شهرهای دیگه توی بافتا کار کردن همه توصیه می‌کردن که سعی کن از نمای کاهگل بیای بیرون به خاطر اینکه حالا اتفاقاتی که با بارون میفته، و حالا اون محوطو رو خراب میکنه و خود اون مصالح رو میاره پایین، به من میگفتن بیرش به سمت تزیینات آجری...»



درواقع افراد خالص گرا تلاش می‌کنند تا بنا را به اصیل‌ترین شکل ممکن مرمت کرده و بازیابی نمایند. رفتار برخی از مشارکت‌کنندگان در زمینه مرمت بناهای تاریخی به ما نشان می‌دهد که بعضاً مرمت مردمی از چنان سرسختی و مقاومتی در برابر کاربرد مواد و مصالح مدرن برخوردار می‌شود که به بهره‌گیری از آنها در امر مرمت به مثابه نوعی تابو می‌نگرند. فارغ از الحاق معنایی اخلاقی در زمینه خوب یا بد بودن این رفتار، باید گفت که چنین عملکردی در کنه خود به این نظام فکری بخش‌هایی از جامعه برمی‌گردد که در آن ارزش بنای تاریخی موقوف به کاربرد مواد و مصالح کاملاً سنتی در آن و حفظ شمائل تاریخی آن است. در واقع این افراد کاملاً بر این باورند که نفوذ عناصر و مصالح مدرن در بنای تاریخی بیش از آنکه نقشی سازنده و محافظ برای بنا داشته باشد، منجر به خدشه‌دار شدن هویت و ماهیت بنیادین آن می‌شود. گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان پیرو این اندیشه‌اند که بر اساس آن یک بنا میراث تاریخی خود را صرفاً به واسطه‌ی مصالحی حمل می‌کند که در روز نخست در پی و بست آن به کاررفته است. بر اساس این بخش از نظریه‌ی مرمت مردمی، تمام اجزاء و مصالح به کاررفته در بنا حامل میراثی ارزشمند هستند که حتی مصالح مشابه پس از مرمت نمی‌توانند آن را یدک بکشند.

از طرف دیگر داده‌ها به ما نشان می‌دهند که در سوی دیگر طیف مرمت مردمی کسانی قرار می‌گیرند که چندان دیدگاه منزه در باب کاربرد صرف عناصر سنتی در خصوص مرمت بنا ندارند این افراد که اتفاقاً در نظریه مرمت مردمی موضع نیرومندی را در اختیاردارند، به درجات مختلف بر این باورند که می‌توان از مواد و مصالح مدرن و مهاجر در زمینه‌ی مرمت بناهای تاریخی استفاده کرد. آنها کاربرد مواد و مصالح مدرن را نه امری ناپسند در حوزه‌ی مرمت که لازمه‌ی بقای بنای تاریخی می‌دانند. این افراد که می‌توان آنها را در حوزه‌ی مرمت تلفیق‌گرا نامید البته در یک ایده‌ی بنیادین با سایر افراد که پیرو دیدگاه آنها نیستند هم‌منظرند؛ از بنای تاریخی باید به هر شکل ممکن محافظت نمود.

دوگانه تحکیمی - تزئینی در مرمت

داده‌های این تحقیق از دوگانه‌ی دیگری با عنوان تحکیمی - تزئینی پرده برمی‌دارد. در واقع اینها دو گروه مجزا و متمایز از یکدیگر نیستند، بلکه هستند بسیاری از افراد که هم‌زمان هم از منظر تحکیمی و هم تزئینی دست به مرمت بنای تاریخی می‌زنند، اما ایجاد چنین مفهوم دوگانه‌ای می‌تواند از منظر تحلیلی برای درک درست مسئله مفید باشد. در این راستا مقولات زیر به دست آمده است (جدول شماره ۴):

جدول شماره ۴: مقوله و گزاره‌های دوگانه تحکیمی - تزئینی

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
استحکام بخشی با مصالح مدرن و دانش سازه‌ای	«... چون استفادهاش مال خودمون بود سعی کردیم با بهترین مصالح استفاده کنیم و رشته خودمم چون سازه بود و عمران بود، سعی کردم تو استحکام بخش یا عرضم به حضورتون حداکثر توان رو بذاریم...»
استحکام بخشی جهت تداوم بقا	«... استحکام بخشیه واسم خیلی مهمه، ولی فرم قدیمیش خیلی مهمه. یعنی تا وقتی که مثلاً میخواد درست کنه و اتفاقی واسه فرم قدیمی نیفته یعنی قرار نباشه تغییرش بده با همون فرمون باید بره جلو ولی اگر به جایی باید تغییر کنه که (بنا) ادامه پیدا کنه تغییرش بدن...»
استحکام بخشی برای کاربری جدید	«... من تونستم این مجوز رو بگیرم که بار زنده بیاد و این حمام این قدر استحکامش عالی بود که به من اجازه رو دادن...»

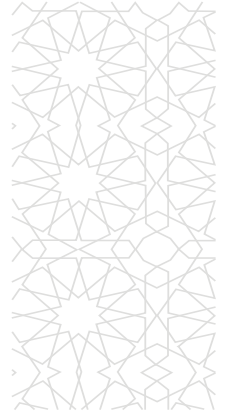
مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
تکمیل تزئینات	«...مرمت کردم کاشیا رو. بعضی از کاشیا نبودن از اول ساختیم. بعضی کاشیا مثلاً نقوشی ازشون شکسته بود یا نبود مثلاً میگم اون تکی رو ساختیم مثلاً کاشی رو شما دقت کنین اون نوک پاشو ما ساختیم یا مثلاً میگم جنگ رستم و سهراب رو کلشو ساختیم. بعضی تیکه‌هاشون نبوده همون تیکه رو ما نقاشی کشیدیم و قشنگ سربندها رو اجرا کردیم...»
زایش نما	«...این کاشی‌های نماها نبودن. آجرکاریاش این نوع گل خفته راسته بود، ولی اون آجرای نگینی رو به خاطر اینکه دیگه چشم خیلی دیگه داشت ساده می‌شد اون نگینا رو جای خود کلوکای اجری جاش اون نگینا رو گذاشتیم...»
الگو برداری در تزئینات	«...دیگه تنها جایی که نما عوض شد همین نمای قسمت شمالی، قسمت شاه نشینه که ما اومدیم کاج و سرو رو، سرو ایرانی هستن و اون کتیبه کاشی بالاش رو انتخاب کردیم، از خونه حاج آقا علی رفسنجان. چون ما اوج هنر گچ‌بری رو تو حاج آقاعلی رفسنجان داریم...»
تغییر نما و جزئیات	«...یه سری تغییرات جزئی و حالا توی دکوراسیونش بیشتر دوست دارم تغییرات بدم. یکم از سادگی حالا درش بیارم. نمای مثلاً با چیزای آجری و کاشی و این جور چیزا. نکه اینکه توی سازه بنا، توی مثلاً دیوارا و این چیزا...»

بازنمود بیرونی بنای تاریخی هستند، شمائل و صورت بنا برای افراد از تقدم و اولویت برخوردار خواهد بود. در واقع از آن‌رو که افراد بنای تاریخی را همچون صفحه‌ای می‌بینند که با انباشت و نگهداشت ارزش‌های زیبای شناختی - تاریخی در طول زمان آنها را به منصفه ظهور می‌رساند، برای شمائل و صورت بنا ارج و اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند. این افراد بر این باورند که بازنمود میراث تاریخی بنا بیش از هر جا در شکل و صورت آن مشهود است.

وجود چنین باوری در اجتماع محلی باعث می‌شود تا بخش گسترده‌ای از مرمت مردمی قوای خود را جهت حفظ شاکله و صورت بنای تاریخی بسیج کند. در واقع مرمت تزئینی به‌عنوان یک کنش محافظتی عملگرایانه بر خواسته از این اندیشه است که صورت و ظاهر بنا حاوی نمادها و نشانه‌هایی غنی از ارزش‌های تاریخی آن بنا است؛ ارزش‌هایی که به‌عنوان مهمترین میراث بنا در چهره و نمای آن جای گرفته‌اند. به سخن دیگر از آنجاکه افراد معتقدند سرمایه‌ی تاریخی بنا عمدتاً خود را در صورت و شمائل آن به نمایش می‌گذارد، بنابراین حفظ نمادها و نشانه‌های

مصاحبه شده در اجتماع مورد بررسی با وقوف به این مسئله که فرسایش بنیادهای بنای تاریخی یک امر گریزناپذیر است که تدریجاً در بستر زمان رخ می‌دهد، مرمت تحکیمی را به‌عنوان یک استراتژی جهت توقف این روند در دستور کار قرار می‌دهند. این افراد که با وجود تمام تنوعات، نظریه محافظتی نیرومندی پیرامون حفظ بناهای تاریخی بر ساخته‌اند، بر این باورند که بنیادهای بنا صرفاً به‌واسطه مرمت تحکیمی حفظ‌شده و بدین طریق به تداوم حیات بنا منجر می‌شوند. در نظر این افراد مرمت تحکیمی مستقیماً متوجه استحکام و ثبات بناست؛ نوعی کنش محافظتی عملگرایانه که به حفظ شالوده‌های بنا کمک می‌کند. در واقع افراد به‌واسطه‌ی مرمت تحکیمی در پی آن‌اند تا ساختاری را که بنای تاریخی هستی خود را وامدار آن است حفظ نمایند.

در مقابل اندیشه مرمت تحکیمی، مرمت تزئینی قرار دارد که نه متوجه استحکام بلکه متوجه مسائل زیبایی‌شناختی و ارزش‌های تاریخی همپسته با آن در بنا است. در این شکل از مرمت به دلیل تسلط ارزش‌های زیبای‌شناختی تاریخی که مربوط به



عینی و مشهود بنا از طریق مرمت تزئینی از اهمیتی بسزا برخوردار است.

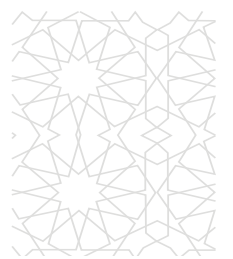
بسط؛ گسترش بنای تاریخی

عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق چندان باوری به راکد بودن مکان تاریخی و عدم تغییر در آن ندارند. در عوض آنها بر این باورند که می‌توان مکان تاریخی را به اشکال مختلف بسط و گسترش داد. داده‌ها نشانگر این موضوع‌اند که افراد معتقدند به واسطه‌ی بسط مکان تاریخی تعاملی سازنده با آن برقرار می‌کنند. در واقع آنها این

رفتار خود را نه تهاجم بلکه ارتباطی سرشار از خلاقیت و آفرینندگی نسبت به بنای تاریخی می‌دانند. این افراد مکان تاریخی را در محدوده‌ای زمانی بسته قرار نداده و بدین شکل برای خود «خلاقیت» و برای بنا «انعطاف و تحول» را قائل‌اند. در مجموع داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان محدود این پژوهش نشانگر آن‌اند که این افراد دو استراتژی عمده را جهت بسط مکان تاریخی در پیش می‌گیرند. این دو استراتژی به شرح ذیل عبارت‌اند از (جدول شماره ۵):

جدول شماره ۵: مقوله و گزاره‌های بسط؛ گسترش بنای تاریخی

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
انباشت عناصر	«...خمزه‌ها رو مثلاً چیدم اینجا. مردم میان عکس میگیرن، تماشا میکنن، قصد کاسی هم باشون ندارم فقط گذاشتم که همه ببینن...»
	«... تمام اشیایی که شما میبینین داخل هست بله از جاهای دیگه هست هیچ کدوم مربوط به اینجا نیست، همه از جای دیگست. تهیه شده، خریداری شده و آورده شده...»
	«... بعد تا دلتون بخواد مثلاً چیزای حکاکی کوچولو کوچولو یا مثلاً روی چوب، یا مثلاً نمیدونم مثلاً قاشق چنگال بزرگ، نمیدونم دیدین یا نه ... داداشم بیار اومد تو آشپزخونه آویزونشون کرد...»
	«... یه اتاقی داره به‌عنوان اتاق مادر بزرگ... دیدیم عه یه تیکه هست از در که رفتم شیشه کشیده بود، بعد کلش پشتشم موزه... گفت این قالی مثلاً خونه‌ی مثلاً مادر بزرگم بوده، این فلان بوده... اون تهش یه لباس زده به دیوار باز جلو اون یه شیشه جدا کشیده... گفت این لباس عروسیه مادر بزرگم بوده که تماماً نقره هست. لباس زن حاج آقا علی، لباسه قاجاری ... این جور چیزایی رو حفظ کردن توی یه بنای تاریخی که از اجدادشون هسته...»
	«... آقا این خونه کنار این ساختمان ۷ طبقه، یه حوضی داشت خانم. یه حوضی بود اندازه این باغچه‌ها، دورتادورش سنگ، سنگ تیشه‌ای نقش دار. اون وقت ۴ گوشه‌اش ۴ تا کله شیر میومد بالا... یک طرح عجیبی این راه انداخته بود... می‌خواستم کل اون حوض رو بگم یه نفر در بیاره برام، یعنی یه نفر اگر شده مثلاً ۱۰ روز کارگری بشنونه ذره‌ذره سیمانارو بکنه اینه در بیاره بیایم اینجا بشنومش. این قدر که جالب بود به خدا حاضر بودم ازش بخرم...»
	«... دلم می‌خواست پای ستون سنگی رو بیارم، اون کار رو خیلی دوست دارم انجام بدم...»
	«... این بخش (نوساز) طرحش کاملاً بر اساس فرم خانه‌های اطراف و همخوان، فقط مصالح مدرن هست. اول چون به نیت خودمون بود گفتیم فقط یدونه اتاق توش درست کنیم...»
افزودن به متن بنا-فضا	«... اینجا اون موقع مخروبه بود به این حالت نبود یه مقدار اوضاعش {اوضاعش} خراب بود. کم‌کم هم چراغ‌ها همه دست‌به‌دست همدیگه دادن اینجا رو ساختن و شکل و مشخصاتی به وجود آوردن و درستش...»
	«... بچه‌ها حقیقت یه خرده‌ای دلشون میخواد {می‌خواهد} مثلاً برای راحتی کارشون مثلاً حالا یجوری هست سرویس کنارشون باشه، آشپزخونه‌ام مثلاً ما اون طرف درست کردیم مثلاً سرویس، آشپزخونش اینا همش تو همه. از یه دری بری تو دیگه نمیا {نمی‌آیی} بیرون بری. ولی خوب اینجا بچه‌ها اونجوری دوست دارن، مثلاً به سن و سال من الان همون برای راحتی کار خودش خونه‌ای میخا مثلاً راحت باشه. همه چی توش باشه...»



انباشت عناصر؛ تاریخی سازی مؤکد بنا - فضا

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که انباشت عناصر متعلق به سایر اماکن تاریخی در دل بنا یکی از روش‌های رایج در اجتماع محلی جهت بسط و گسترش آن است.

در این روش افراد از اجزاء و عناصر ذاتاً تاریخی که متعلق به بناهایی دیگر هستند استفاده می‌کنند. این عمل در کنه خود چیزی نیست جز تاریخی‌سازی مؤکد مکانی که خود پیشاپیش وجودی تاریخی را یدک می‌کشیده است (تصویر شماره ۱).

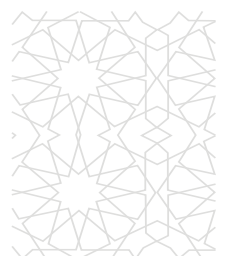
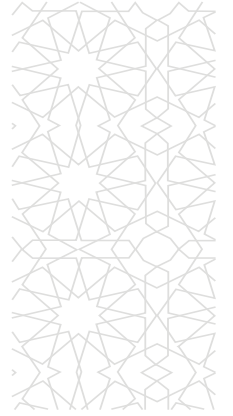


تصویر شماره ۱: نمونه‌ای از انباشت اشیا در فضای مکان تاریخی توسط یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های پژوهش (عکس از نگارندگان)

نگهداشت اجزاء؛ حفظ عناصر بنای تاریخی

داده‌های حاصل آمده از میدان نشان‌دهنده‌ی آن است که افراد به طرق مختلف سعی دارند تا از بنا- فضای تاریخی با حفظ اجزاء آن نگهداری نمایند. در واقع از نظر افراد اجزاء و عناصر مکان تاریخی (همچون کاشی‌ها، مجسمه‌ها، کوزه‌ها، اسباب و وسایل تاریخی و...) مؤلفه‌های اساسی در ساخت هویت آن هستند. در جهان بینی این افراد بنای تاریخی منهای عناصر و اجزاء آن چیزی نیست جز ترکیبی ناقص و ناتمام. داده‌ها نشان‌دهنده آن است که در اندیشه افراد، این اجزاء بناهای تاریخی هستند که هویتی تاریخی بدان

داده‌ها نشانگر آن است که بسیاری از افراد در اجتماع محلی به نحوی به متن مکان تاریخی سازه‌هایی را اضافه می‌کنند. این سازه‌ها که از نظر ظاهری عمدتاً همگن و همسو با بنای تاریخی هستند برای رفع نیازهایی که به مرور زمان ایجاد شده‌اند طراحی گردیده‌اند. در واقع ساخت این سازه‌ها در طرح اولیه بنا- فضای تاریخی پیش‌بینی نشده است و فقط نیازهای روز است که ساخت آنها را توجیه می‌کند. چنین امری از این واقعیت مسلم برمی‌خیزد که مکان تاریخی به دلیل درگیر شدن با انواع تحولات در بستر زمان، به ناچار پذیرای برخی تغییرات می‌شود.



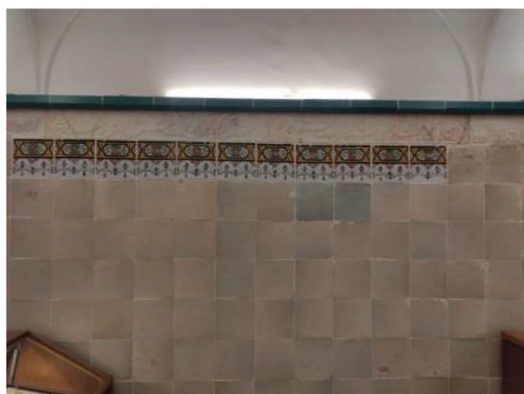
می‌دهند. اجزاء در واقع نگاره‌هایی تاریخی هستند که سرشار از زندگی و پویایی هستند و در فراسوی اسکلت بنا قدمت و حال و هوای آن را بازتاب می‌دهند (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: مقوله و گزاره‌های نگهداشت اجزاء؛ حفظ عناصر بنای تاریخی

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
مرمت عناصر آسیب‌دیده	«...من حتی کوزه و ایناشو همه رم { همه را } دارم. کوزه گلی بوده، کیسه‌ای می‌داشتن برای نگهداری گندم و اینا بود که متأسفانه کارگرا زدن شکستش ولی من خودم درستش کردم یکم تعمیرش کردم ولی تو به اتافی نگهش داشتم...».
محافظت از عناصر اصلی و رفع مشکلات به وجود آمده	«... پله اینا از بس پا خورده بودن لغزنده شده بودن، ما با سنگ فرزش کردیم. یه دو بار بچه‌ها خوردن زمین خط کشیدم. از دلمون ور نیومد بکنیم عوضشون کنیم گفتیم چیفن...».
نگهداشت عناصر و تکمیل آنها	«...من اکثر آگه چهارتا کاشی قدیمی بودن هم کاشیا قدیمی خودشون. لابه لاش کاشی جدید کار کردیم ولی اگر بوده همون کاشی قدیمی خودش. اصلاً نخواستم به قول معروف حالا بخوام بگم الان کسی ببینه یه جوری تو هم رفته زیاد نشون نمیده ولی شما الان اینجا دقت کنید مثلاً ما از این قسمت فقط این تیکه مونده، من این تیکه رو حفظ کردم، اون بالاش رو جدید زدم، بقیه رو دیگه جدید زدم ولی جوری زدم دست‌به‌دست هم بده نشون نده. نخواستم کار خودم رو بُلد کنم دیگه. همونی بوده الان کاشیا قدیم خودش بوده حاشیه‌ها همونارو کار کردم ولی اینو جدید کار کردیم...».
کاربرد عناصر ذاتی بنا	«خب تو این جریان چی میگن انرژی مثبتی که به آدم می‌ده شکی درش نیست. انرژی مثبتی که به آدم می‌ده اصلاً شکی درش نیست. الان ما مثلاً یه بازسازی کردیم تمام کارهای چوبیشو من انجام دادم، یعنی بازسازی کردیم. گفتیم همونا رو درست می‌کنیم، ارزششو داره که این کار رو بکنیم {اصل درها مرمت شود و با درهای نو تعویض نگردند} و کردم. البته بعضی چیزاش دیگه نمی‌شد مجبور بودیم که دیگه مثلاً ترده خورده بود دیگه هیچ کاریش نمی‌شد بکنی ولی مثلاً درش سالم بود، گفتیم که چیز نکنیم، چارچوب خراب‌شده بود، حالا درها هم خراب‌شده بود اینا رو تعمیر کردیم. مثلاً سعی کردیم همون در تعمیر بشه، همون اصل در بمونه...».

آن نیز می‌باشند. بر اساس این نگرش می‌توان گفت از آن‌رو که اجزاء و عناصر بنای تاریخی همزاد با خود بنا هستند و از نظر هستی‌شناسی جزئی از ذات آن پنداشته می‌شوند، به بهترین نحو صورت تاریخی یک مکان را به نمایش می‌گذارند. بنا- فضا غنای تاریخی خود را عمدتاً به واسطه‌ی اجزاء و عناصر خود در بستر زمان حفظ می‌کند. در واقع این عناصر لعاب تاریخی وزینی با خود حمل کرده و بدین شکل هویت بنیادین یک بنای تاریخی که همان قدمت است را حفظ می‌نمایند (تصاویر شماره ۲ و ۳).

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که بودونبود این اجزاء چندان تأثیری در ثبات، استحکام و پایداری بنای تاریخی ندارد؛ اما نگاهی دقیق روشن می‌کند که بنای تاریخی تا حد زیادی هویت خود را وامدار اجزائی است که در آن آشیانه کرده‌اند، سلب این اجزاء از بنا تا حد زیادی باعث سلب هویت تاریخی آن می‌شود؛ امری که در نهایت تخریب بنا و جایگزین شدن مکان جدید را تسهیل و در نظر بسیاری موجه و منطقی می‌نماید. در واقع از آن‌رو که اجزاء بنای تاریخی بازتاب‌دهنده‌ی میراث گذشته‌ی آن هستند، تا حد زیادی ضامن پایداری و ثبات



تصاویر شماره ۲ و ۳: کاشی‌های حفظ‌شده در موزه سیم و زر توسط مشارکت‌کننده (عکس از عرفان عراقیپور)

نگهداری؛ مقابله با روند تخریب بنا

داده‌های به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که برخی از افراد نوعی از کنش محافظتی را در خصوص بنای تاریخی در پیش می‌گیرند که هدف آن جلوگیری از روند پیش‌رونده تخریب بناست. در واقع این افراد به دلیل برقراری نوع خاصی از تعامل با بنای تاریخی، هدف خود را نه مرمت بنا به معنای معمول که مقابله با روند تخریب آن می‌دانند.

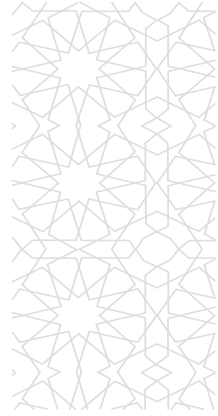
به عبارت دیگر از آن‌رو که فرسایش و تخریب ناشی از آن یک عمل پیش‌رونده است که نهایتاً می‌تواند منجر به اضمحلال و فروپاشی بنای تاریخی شود، مقابله با آن یکی از اولین استراتژی‌ها جهت محافظت از این بناهاست. داده‌ها نشان‌دهنده این مسئله است که برخی به دلیل زیست‌ویژه خود صرفاً در پی مهار روند تخریب و افزودن به عمر بنای تاریخی از این طریق هستند (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: مقوله و گزاره‌های نگهداری؛ مقابله با روند تخریب بنا

مقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های مرتبط با مقوله
نگهداری با عناصر اصلی بنا	«اینجا داشت بد می‌ریخت. بعد دره داشت کنده می‌شد ما اومدیم دورتادور دره رو کلاً آجر چندیدیم هم دره دزده دستکاش، شاخکاش قفل شد تو آجرا دیگه خود دره به‌عنوان به شمع‌ی داره عمل میکنه. هم خود آجرا که دورش چیده شدن مٲ به پی‌بندی زیر دیوارم گرفته؛ یعنی عملاً آجرا هم شاخکا در رو محکم نگه‌داشتن حتی خشکه چینشون. هم اینکه دیگه خودشون قفل کردن دیگه تو دیوار...».
شمع‌زنی	«رطوبت این‌قدر زیاد بود تا بالا سقف اینجا خیس بود...سقف اینجا که توی زلزله آخری امسال خراب شد آجرا پستی دارن آفتاب و هوا میخورن. تکه‌تکه خشک می‌شد می‌ریخت پایین. بیارم تنور رو روشن کردیم به تیکه‌گنده از سقف چون حرارت تنور رسید بهش خشک شد افتاد پایین...روزی شمع زدیم خیلی قسمتای دیگم بود. اتاق کنارش که دیده بودین سقف آینه‌کاری داشت. باینکه زیر اونم شمع زده بودیم سقفش نریزه آینه‌کاری داشته توی زلزله شمع‌ها نتونستن بگیرنش. دررفتن. وقتی هم سقف ریخت سقف زیرزمین رو هم خراب کرد. این زیرزمین این قسمت سالم بود ولی هم شمع‌ها هم سقفی که اومد پایین خرابش کرد...».
رفع مخاطره	«...این خونه همسایه درختش خیلی شاخه‌هاش به دیوار ما فشار میاره. همین سقف اینجا رو ریخت. وقتی ما خریدیمش سالم بود سقف. فشار آورد سقف ریخت. بهش گفتم میگه بریزه. اصلاً براش مهم نیست. چند باری خودم رفتم از سر دیوار شاخه‌هاشو بریدم. خونه خودش خرابه کسی هم توش نیست. ولی خونه مارو داره خراب میکنه. خاکایی که ریخته بود رو جمع کردیم. آواربرداری کردیم فعلاً چوب زدیم زیرش دیوار رو نصفش که مونده گرفته. این طرفش که هم چوب زدیم هم آجر خشکه‌چینی کردیم {بدون ملاط}. تا ببینیم چی میشه...».
نگهداری مداوم	«... همه چی اینجا چوب زدیم، که نیفته. اینارو گذاشتیم که بالاخره هم خونه خراب نشه و هم که بچه‌ها توش نشستن رو سرشون خراب نشه. خونه خراب نشه چمیدونم کاه‌گلش می‌کنم، هزار و یک کار. همین خرده کاریه. مثلاً دیوار میتبیه، دوباره گچ می‌کنیم...سیمان، میریم توش می‌زنیم؛ یعنی هیچ ماهی نیست ما ۴ تا ۲ تا حداقل ما ۲ تا سیمان توش کار نکنیم...».
بستن بازشوها	«...اینارو وقتی اومدیم این‌جوری بود {آمدیم به این خانه}. اینجا پشتش ریخته چون سقفش نم داده. اینجا رو تیغه کردن که اینجا تروتمیزتر شه بتونن توش زندگی کنن. خود آقای شمسی یا قبل ازاون {صاحبان قبلی خانه}. چوباشم ترده {موریانه} زده بوده دیگه نمی‌شد همونا باشن. جمعشون کرده، جاش آجر چیده تا بالا. هم دیوار رو گرفته سقف دیگه حرکت نکنه هم در نداشت. از تو هم روش گچ کشیده تروتمیز شده میشه توش موند. سقفش داشت می‌رفت با اینا دیگه خیلی وقته سقف گرفته خودشو...».

تجارب و ادراک افراد به ما این مسئله را گوشزد می‌کند که آنها به دلایل مختلف در پی آن نیستند که بنای تاریخی را به وضعیت پیشین برگردانند؛ بلکه آنها در پی آن‌اند تا بنا را در وضعیت کنونی‌اش تنها حفظ کرده و از تخریب دامنه‌دار در آن جلوگیری نمایند. این افراد که حیات خود را به نحوی به بنای تاریخی گره‌زده‌اند، در تلاشی پیوسته و

مستمر سعی دارند تا تخریب بنا را در همان مراحل اولیه کنترل نمایند. در واقع از آن‌رو که تخریب می‌تواند دامنه‌دار و مسری شود، یعنی از یک نقطه به نقاط دیگر و از سطح به عمق بنا تسری یابد، افراد سعی می‌کنند تا آن را در همان مرحله‌ی نخست کنترل نمایند. به عبارت دیگر این افراد از طریق مقابله با آسیب‌های نقطه‌ای تلاش دارند تا از توسعه



مهاجرین افغان ساکن در این بناها هستند و یا مالکانی که قصد اجاره مکان تاریخی خود را به مهاجرین دارند. این افراد به دلیل شرایط زیست خاصی که دارند به این بناها به عنوان پناهگاه می‌نگرند تا اماکنی که ارزش تاریخی دارند و به این دلیل نگهداری از آنها واجد اهمیت می‌شود.



گسترده تخریبها که می‌توانند غیرقابل کنترل شده و بنای تاریخی را نابود کنند، جلوگیری نمایند (تصاویر ۴ تا ۷). بر اساس داده‌ها می‌توان گفت عمده افرادی که بدون اعمال یک رفتار محافظتی فعال همچون مرمت تلاش می‌کنند تا به نحوی از جریان تخریب بنای تاریخی جلوگیری به عمل آورند،



تصاویر ۴ تا ۷: کنش‌های انجام گرفته توسط مشارکت‌کنندگان مهاجر برای نگهداری از بنا (عکس از نگارندگان)

سوی دیگر با نگرش‌های مدرن حفاظت و مرمت آشنا و گاهی عضو انجمن‌های حامی میراث فرهنگی‌اند. این گروه میراث را از آن خود می‌دانند، نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند و در برابر خطر و تخریب مکان تاریخی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. این افراد با وجود آنکه عضوی از جامعه محلی محسوب می‌شوند و از جمله افراد غیرمتخصص غیردولتی هستند، تاثیر ویژه‌ای در حفظ مکان‌های تاریخی

بحث و نتیجه‌گیری

در فرآیند تحقیق، این نتیجه حاصل شده که علاوه بر مردم محلی و متخصصین، گروه سوم دیگری از افراد در بین جامعه وجود دارند که علاقه خاصی به بناها و اماکن تاریخی دارند و در تعمیر، نگهداری و احیای بناها و اماکن تاریخی فعال و حامی محسوب می‌شوند. این افراد، از یک‌سوریشه در جامعه محلی دارند و از

که افراد به واسطه آن ابداع و نوآوری خود بناها را با نیازهای در حال تغییر همساز نمایند، زایش سازه‌های نو و افزودن آن به متن بناست. در جهان-بینی حامیان یک مکان تاریخی علاوه بر آن‌که واجد یک بدنه و کالبد است، از اجزاء و عناصری تاریخی تشکیل شده است که هر کدام بخشی از ارزش بنا را در خود حفظ کرده است. این افراد حفظ مکان را صرفاً به معنای حفظ کالبد و تته آن نمیدانند و برای نگهداشت اجزاء و عناصری که لزوماً جزئی از بدنه‌ی بنا نیستند نیز اهمیت و ارزش بالایی قائل‌اند. محافظت از طریق مقابله با روند تخریب و توقف نسبی چرخه‌ی آن‌که یکی از ابتدایی‌ترین و در دسترس‌ترین رفتارهای محافظتی است که می‌تواند زمان لازم را برای در پیش گرفتن رفتارهای حفاظتی پیشرفته همچون مرمت به وجود آورد.

پی‌نوشت

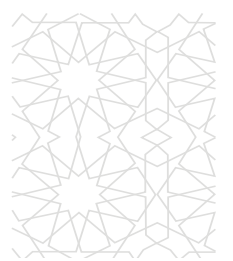
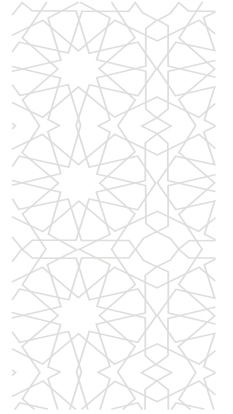
۱. نتیجه حاصله و پژوهش ذکرشده به‌عنوان رساله دکتری و مقاله‌ای تحت عنوان «علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری» انجام گردیده است.

۲. بخشی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش افراد ساکن بناهای تاریخی بوده‌اند که این افراد یا از زمان بدو تولد در این مکان‌های تاریخی در حال زیست بوده و یا در گذشته در این بناها سکونت داشته‌اند. گروهی دیگر افرادی هستند که در امر حفاظت مکان‌های تاریخی به گونه‌های مختلفی تأثیر داشته‌اند. به‌طور مثال افرادی که بناهای تاریخی را هدفمند خریداری و حفاظت و مرمت کرده‌اند و یا قشری که در مکان‌های تاریخی شاغل و با بناهای تاریخی در تعامل هستند. به همین دلیل متوسط تحصیلات مشارکت‌کنندگان این پژوهش بالا می‌باشد. به‌طور کل می‌توان گفت افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش افراد حامی میراث فرهنگی می‌باشند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در این امر دخالت داشته و یا دارند.

دارند. معرفت فرهنگی، علاقه وافر به مکان تاریخی، اشتیاق به حفظ آثار و قدرشناسی از نیاکان، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که این گروه از افراد را به حامیان مکان‌های تاریخی مبدل کرده است. این مقاله گامی نخست در شناسایی و معرفی اجمالی رویکرد و راهبردهای این گروه محسوب می‌شود.

بر اساس داده‌های مربوط به این پژوهش، افراد حامی در برخورد با مکان‌های تاریخی پیش از آنکه خطر بروز کند و در جهان عینی دامن‌گیر مکان تاریخی شود، پیش‌دستی کرده و آن را دفع می‌نمایند. در محافظت پیش‌دستانه تلاش بر این است تا تخریب به یک احتمال ضعیف در زمان بسیار بعید تبدیل شود. در نگرش حامیان این باور وجود دارد که مکان‌های تاریخی در شبکه‌ای از روابط نامرئی قرار دارند که باعث می‌شوند این مکانها در امر مرمت و حفاظت از یکدیگر الهام بگیرند. الهام و الگوبرداری تاریخی در امر مرمت نشان‌دهنده‌ی تأثیر بسزایی است که حیات یک بنای تاریخی بر سایر بناها می‌گذارد. وجود رفتار متنوعی در حوزه‌ی مرمت خود نشان می‌دهد که جوشش نگرش و نظریه‌ی حفاظتی در اجتماعات مردمی از رویه‌ای واحد و استاندارد پیروی نمی‌کند. به‌طور مثال بخش‌هایی از اجتماع بر این موضوع تأکید دارند که در امر مرمت باید از مواد و مصالح کاملاً سنتی و همساز با ماهیت تاریخی بنا استفاده شود. این در حالی است که بخش‌های دیگر این اجتماعات چندان ابایی از کاربرد رویکرد تلفیقی و استفاده از مصالح مدرن در امر مرمت ندارند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افراد عمدتاً با در پیش گرفتن دو استراتژی به بسط و توسعه‌ی بنای تاریخی دست می‌زنند. بدین معنا که پیوسته عناصر تاریخی مهاجر و بعضاً سرگردان را به متن بنای تاریخی خود می‌افزایند و بدین طریق سعی می‌کنند بر ارزش تاریخی آن بی‌فزایند. یکی دیگر از استراتژی‌ها



منابع

مطالعات تاریخی»، مجله فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال سیزدهم (۴۶ و ۴۷).

فکوهی، ناصر (۱۳۸۹) انسان‌شناسی شهری، چاپ ششم، تهران، نشرنی.

فیلدن، سربرنارد (۱۳۹۴) حفاظت از بناهای تاریخی، ترجمه مهدی هوشیاری، تهران، طحان.

کلاکی، حسن (۱۳۸۸) «نظریه بنیادی به‌مثابهی روش نظریه‌پردازی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات.

کیهان پور، محسن (۱۳۹۷) فرهنگ تخریب یا تخریب فرهنگی - بررسی نمونه‌هایی از رفتارهای فرهنگی به‌عنوان عوامل مخرب در آثار تاریخی - فرهنگی ایران، مجله باغ نظر، ۱۵ (۶۴).

محمد پور، احمد (۱۳۸۹) فراروش؛ بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، جامعه‌شناسان.

Avarami, E. Mason, R. and De La Torre, M. eds. (2000) Values Heritage Conservation, Research Report, Los Angeles, The Getty Conservation Institute, Available at <http://www.getty.edu/conservation/publications/pdfpublications/assessingpdf>, accessed on 20 september 2012.

Chung, S. (2005) "East Asian values in historic conservation", Journal of Architectural Conservation, 11(1).

Strauss, A., & Corbin, J. (1998) Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Jokilehto Inc.

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو (۱۳۹۰) کمیسیون ملی یونسکو، ایران.

استراوس، انسلم و جولیت کورین (۱۳۹۷) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پدرام، بهنام و مهدی هوشیاری (۱۳۹۶) بیانیه‌ها و منشورهای ایکوموس، تهران، گلدسته.

پورسراجیان، محمود (۱۳۹۷) «تبیین چارچوب نظری حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی بر اساس چگونگی تعامل انسان و مکان»، پایان‌نامه مقطع دکتری، استاد راهنما دکتر پیروز حناچی، دکتر علیرضا عینی‌فر، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.

حجت، مهدی (۱۳۸۰) میراث فرهنگی در ایران (سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی)، تهران، میراث فرهنگی.

دلیلی دیدار، صدیقه (۱۴۰۰) «تحلیلی بر نگرش‌های دسترس‌پذیر ذیمدخلان در حفاظت از میراث معماری؛ مورد پژوهی: نگرش‌سنجی از ذیمدخلان در مسجد جامع عتیق تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر علیرضا رازقی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر تهران.

رازقی، علیرضا و محمدتقی پیربابایی و حمید ندیمی (۱۳۹۲) «علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث فرهنگی»، مجله شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۳.

علی احمدی، علیرضا و وفا غفاریان (۱۳۸۲) «اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاهی به

Wells, J. C. (2017) "The plurality of truth in culture, context, and heritage: a (mostly) post- structuralist", analysis of urban conservation charters. *City and Time*, 3(2:1).

۱. نوساز، ناساز= نادوان به ادبیات محلی کرمان

۲. از چند بنا به شکل ترکیبی جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.

۳. صرفاً از یک بنا جهت مرمت الگوبرداری می‌شود.

Jokilehto, J. (2007) "An international perspective to conservation education", *Built Environment*, 33(3).

Stovel, H. (2007) Effective use of authenticity and integrity as word heritage qualifying condition, *City & Time*, 2(3).

Vestheim, G. & Fitzz, S. & Foot, M. J. (2001) Group report: Values and the artifacts. In *Rational Decision making in the preservation of cultural property* N.S. Bear and F. Snickars, eds.

Wells, jeremy. (2022) *Built Heritage Conservation Today and Tomorrow* Jeremy, [www. heritagestudies.org](http://www.heritagestudies.org).

